

مؤلفه‌های محیط و منظر

دکتر منوچهر طیبیان *

چکیده

محیط و منظر در اشکال طبیعی و انسان ساخت از مؤلفه/ مؤلفه‌هایی تشکیل شده است که در انتقال اثر از دو دید بصری و فکری سرچشمه می‌گیرد. این مؤلفه‌ها به استثنای مؤلفه‌های طبیعی نتیجه دو زایش فکری (سنت خیرگان و عوام) بوده و هر کدام حامل پیام‌هایی هستند و ترکیب آنها با یکدیگر ساختاری را تشکیل می‌دهد که از ارکان اصلی سکونتگاه‌های انسانی به شمار می‌آیند. این ساختار که دربرگیرنده محیط و مناظر است برحسب مبانی تاریخی، فرهنگی و شکلی خود از مفاهیم و معانی خاصی برخوردارند که از دید ناظران و بینندگان مختلف، معانی و مفاهیم متفاوتی برای آنها ارائه می‌شوند.

اصولاً مناظر و مؤلفه‌های آن به عنوان یک زبان به حساب آمده و زبان آن زبان بومی است. در میان مناظر، منظر شهری جلوه‌گاه این زبان و در دو شکل قابل مشاهده است. مؤلفه‌هایی که به عنوان نماد و منظری از یک پهنه که سالها باقی مانده و به اعتبار تاریخی پهنه و یا معماری آن محافظت شده‌اند و مؤلفه‌ها یا مجموعه‌هایی که عمر کوتاه‌تری داشته و به دلیل تبعیت از تغییرات و نیاز روز افزون مردم و تغییر در تکنولوژی با مؤلفه‌های جدیدی جایگزین شده‌اند. بنابراین بجا خواهد بود چنانچه گفته شود مؤلفه‌های مناظر شهری تمام شدنی نیستند و به صورت لایه‌هایی متناوباً جایگزین می‌شوند. مشکل و یا سؤال در اینجا پیرامون درستی جایگزینی‌ها و نقشی که مؤسسات آموزشی، مردم و عوامل اجرایی در ایجاد و حفظ این مؤلفه‌ها می‌توانند داشته باشند، دور می‌زند. بنابراین توجه به سنت‌ها و زبان بومی و گرایش به تغییرات الزام‌آور، هم به عنوان مسئله و هم به عنوان راه حل، مسئولیتی است که بایستی در حوزه‌های آموزشی و اجرایی نسبت به آن حساسیت نشان داده شود و این پیام و یا هدفی است که این مقاله قصد انتقال آن را به علاقمندان به خصوص به دانشجویان دارد.

کلمات کلیدی:

محیط و منظر، منظر شهری، مناظر طبیعی و انسان ساخت، شهر، مؤلفه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۱/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۱/۴/۲۶

* استاد گروه آموزشی شهرسازی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

سر آغاز

بعضی بر این باورند که هر محیط و منظری نه تنها از آنچه که در برابر چشمانمان قرار دارد، بلکه از آنچه در فکرمان نیز می‌گذرد، تشکیل شده است و به زبان دیگر نتیجه خاطره‌ها و برداشت‌های مردم از این مؤلفه‌ها در اشکال ممکن است. در ادبیات موجود منظر (Landscape) نیز تجلی عنصر یا مجموعه عناصری است که همیشه وجود دارد و نیاز به تغییر نداشته و به راحتی هم تغییرپذیر نیستند، در حالی که منظر شهری (Townscape) تک عنصرها و یا مجموعه عناصری هستند که در طی قرن‌ها ساخته شده‌اند و به جزء مواردی معدود دوباره هم ساخته می‌شوند. روند این تغییرات ثابت نبوده و با افزایش سرمایه‌گذاری در این زمینه فضاها و سکونتگاه‌های کارآمدتر برای فعالیت روزانه مردم، رو به ازدیاد است. بنابراین منظر شهری واجد مؤلفه‌هایی است که پاسخ به نیازهای شناخته شده است، و دوباره ساختن منظر، پاسخ به نیازهای شناخته شده به خاطر تغییر است. بدیهی است که تغییر در محیط دربرگیرنده سود و زیان‌هایی است که جای بحث خود را دارد. شاید چنین تصور شود ولی چنین نیست، مناظر شهری هرگز تمام نشده و تمامیت‌پذیر نیستند. بعضی مؤلفه‌ها (تک عناصر معماری) از روزی که سازندگان آن پهنه (Site) را ترک نموده، باقی مانده‌اند زیرا تغییر در آنها غیرقابل تصور است. چه چیزی غیر از محافظت و بهبود بخشیدن محیط درون و برون را می‌توان برای میدان نقش جهان در اصفهان یا میدان سن مارکو (San Marco) در ونیس انجام داد؟ بنابراین در محیط‌های موصوف ما با دو مؤلفه یکی پایدار و ماندنی و دیگری تغییرپذیر مواجه هستیم. در بین این دو محدودیت از آنچه باید بازسازی شود، مؤلفه‌هایی وجود دارند که سودمندی و کیفیت آنها در برابر سؤالاتی از دیدگاه‌های مختلف قرار می‌گیرد. بنابراین در تبیین ساختار محیط و منظر بایستی در جستجوی راه‌حلهایی بود که پاسخگوی هر دوی محدودیت باشد و با اطمینان بتوان گفت، چه نوع تغییر و چه زمانی باید این تغییر/تغییرات اتفاق افتد. اتخاذ تصمیم برای تغییرات نیاز به درک معنی و مفهوم محیط و منظر، اصول و تفسیر محیط به پردازش و اجزاء مؤلفه‌های آن دارد.

مؤلفه‌های منفرد و با اهمیتی که اعتبار خود را از گذشته کسب کرده‌اند در کنار مؤلفه‌های تغییرپذیر دچار یک اغتشاش فضایی شده‌اند. این حالت ناشی از عملکردها و تصمیمات نادرست و جایگزینی این مؤلفه‌ها با ساختارهایی است که فاقد معنی و مفهوم محیط و منظر گذشته بوده و به صورت لایه‌های غیر مرتبط تبلور فیزیکی و فضایی یافته‌اند. مراجع پاسخگو به این سؤالات کدام سازمان‌ها هستند و آیا در ارائه پاسخ موفق بوده‌اند؟

خودرسانی و معنی محیط و منظر

مناظر دارای معنی و این معانی ناشی از ابتکار انسان‌ها است، معالوصف اهمیت منظر به شناخت و یا تخیل از معیارهای انسانی وابسته است. اعتبار و اهمیت منظر در آن نهفته و یافتن آنچه به ارث برده و یا به او نسبت داده می‌شود، می‌تواند موضوع تحقیق و جستجو در گذشته و تبیین آینده باشد. ابعاد و اندازه مناظر متفاوت و می‌توانند به کوچکی یک باغچه و یا به وسعت یک سیاره باشند. برای یک فرد باغچه‌ای به مثابه منظر است و برای افراد یک ملت و برای جوامع انسانی یک سیاره، یک حوض برای یک سگ آبی، یک درخت برای یک پرنده و یک جنگل برای یک درخت منظر به حساب می‌آید. مناظر در درون مناظر و در یکدیگر جای گرفته‌اند. اجزاء یک منظر هم یک کل است و هم بخشی از یک مجموعه بزرگتر و بیشتر؛ یک برگ و یک شاخه کوچک، یک شاخه کوچک و درخت، جنگل و درخت، باغ و خانه، خانه و خیابان، خیابان و شهر. هر پدیده، شیئی، رویداد و یا احساس دارای مضمونی است؛ یک دره، دره نخواهد بود چنانچه دارای مرز، پستی و بلندی و پهنه (دشت) نباشد، حرکت بدون استراحت، صدا بدون سکوت و سکون غیرقابل شناخت است، با نداشتن احساس از گذشته و آینده، زمان حالی وجود ندارد؛ بدون تهدید پناهگاهی وجود ندارد. همانطور ماده، اشکال یا عمل ممکن است معانی مختلفی در بسترهای مختلف داشته باشند؛ آب در بیابان و آب در دریا. مناظر خود دنیایی بوده و ممکن است استعاره‌هایی از دنیا باشند، یک درخت می‌تواند یک درخت و یا آن درخت باشند.

علاوه بر موارد بالا، منظر/ مناظر ساخته شده ممکن است جنبه‌های حماسی داشته و طراحی شده باشند- افزایش شیب زمین برای ایجاد مانع، خیابان‌ها یا درختان دو طرف آن و مثال‌هایی

فضاها به شمار می‌روند. کتابخانه، شکل و فرهنگ راپاپورت (1969) نیز کاری بنیادی در مطالعه محیط و منظر مصنوع به شمار می‌رود. در این کتاب وی به نیازهای تاریخی و تعیین پرداخته است. او بر این باور است که محیط فیزیکی انسانی به‌خصوص محیط مصنوع را، طراح کنترل نکرده و هنوز هم کنترل نمی‌کند. این محیط نتیجه معماری بومی است که دقیقاً در نظریه‌ها و تاریخ معماری و طراحی محیط و منظر امروز ما به طریق اولی نقش دارد. راپاپورت در این بینش تنها نیست و سایر معاصران مانند کریستن نورنبرگ شولز (1980) در «پدیده‌شناسی معماری»، آدولف رودفسکی (1964) «معماری بدون معمار»، روبرت ورتوری (1964) «یادگاری از لاس‌وگاس» هم با فقدان مفاهیم کافی در معماری مدرن و کارهای اخیر در معماری پست مدرن در کشمکش هستند. صرفنظر از این مباحثه سؤال اساسی در این است که با چه ابزاری این مفاهیم قرائت شوند تا تفسیری قریب به یقین حاصل شود.

قرائت مفاهیم محیط و منظر

قرائت مفاهیم محیط و منظر به مراعات و شرح حال فرهنگ حاکم بر جامعه در محیط مورد شناسایی و تدقیق اصول روشن نیاز دارد. در این زمینه پیرس اف لوئیس (1978) اصولی را مطرح کرده که بنابر گفته وی، این اصول از نظریه‌های مهمی هستند که ارکان محیط و منظر فرهنگ آمریکائی را تشکیل می‌دهند. در نوشته دیگری ماینینگ (1979) تحت عنوان «تقش محیط و منظره‌های معمول» از این اصول چنین نام برده شده است.

- در اصل یکم محیط و منظر به مثابه ابزاری برای شناخت فرهنگ به کار گرفته شده و آنها را دگرگونی‌های مهم در محیط و منظر می‌داند. علاوه بر این تفاوت‌های بین منطقه‌ای نه از لحاظ بوم‌شناختی بلکه از لحاظ فرهنگی معیار دیگری برای شناخت این تفاوت‌ها در نظر گرفته شده‌اند.
- در اصل دوم به برابری مؤلفه‌های محیط و منظر با فرهنگ نگاه شده و نویسنده بر این باور است که کلیه مؤلفه‌های محیط و منظر حامل مفاهیمی هستند و اغلب مفهوم را به یک میزان منتقل می‌کنند.
- در اصل سوم آشنایی با زمینه تاریخی از اصول مهم دیگر

از این قبیل برای تحت تأثیر قرار دادن نظاره‌کننده است. بنابراین مؤلفه‌هایی که در محیط و منظر مکان می‌یابند، متعدد و نامحدودند و هر کدام در جای خود حامل پیامی است. و هر نظاره‌گر در مقیاس درک خود به زبانی در وصف آن سخن می‌گویند. بنابراین منظر دارای زبانی است که می‌تواند خواننده و با آن صحبت شود، این زبان، زبان طراحی است. برای احساس و شناسایی کامل در بیان منظر بایستی این ادبیات در موضع طبیعی خود تجربه شوند، کلمات، نوشتار، نقشه‌ها و نقاشی از آنها نمی‌تواند جایگزین خود مکان شود، گرچه ممکن است این طرز تلقی‌ها منظر را به طریقی بیان کنند. قرائت درست از این زبان به هماهنگی بین مؤلفه‌ها در مکان و موضع طبیعی آنها بستگی دارد.

مفاهیم محیط و منظر

محیط و منظر بیان لحظه‌ای هزاران عامل بوم‌شناختی و فرهنگی و فن‌شناختی به شمار می‌رود. حالات موجود در محیط چه طراحی و چه غیر طراحی شده، مظاهری از عوامل بالا هستند که در تعیین ساختار شکلی محیط و منظر نقش داشته‌اند و مردم آنها را تجربه می‌کنند. نحوه پاسخگویی شکل طراحی شده و فرآیندهای محیط و منظر بر مفهومی که محیط و منظر بیان می‌کنند، تأثیر می‌گذارند.

در طرح‌های کل گرایانه این تأثیرات هم‌آهنگ بوده و فضاهای ناشی از این طرح‌ها برای استفاده‌کنندگان متفاوت، مفاهیم متفاوتی را در بر دارد- کریستوفر الکساندر در کتاب «شهر یک درخت نیست» (1965) به این نکات اشاره داشت. به نظر وی طراحی محیط و منظر به مثابه آن نوع از معماری است که اجزاء آن به صورتی سیستمی با هم عمل می‌کنند و با کمک طراحی میزان تأثیر آنها بر یکدیگر بیشتر می‌شود. کالن (1959) در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند: «تک ساختمان یک تجربه معماری است». او معتقد است که در ترکیب چندین ساختمان با یکدیگر از یک هنر غیرمعماری استفاده شده است در جمع کردن چندین ساختمان به دور هم چندین واقعه شروع به بروز می‌کند که در مورد یک ساختمان چنین رویدادی مطرح نیست. جستجو در مورد این رویدادها نقطه عطفی در طراحی

گفته‌های دیگری در ارتباطند.

قرائت محیط و منظر و تبیین دستورالعملی برای قرائت در اصول زیر خلاصه می‌شود:

- شناخت فرهنگ و تغییرات آن که منجر به تفسیر در محیط و منظر می‌شود.

- تفاوت‌های منطقه‌ای از لحاظ فرهنگی و نه بوم‌شناختی

- برابری مؤلفه‌های محیط و منظر با فرهنگ و پیام مؤلفه‌های محیط و منظر.

- زمینه تاریخی و توجه به این نکته که قرائت مؤلفه‌ها نیایستی به صورت مجرد انجام شود.

- عناصر معمولی که محصول سنت بومی هستند.

- توجه به تلفیق مؤلفه با محیط پیرامون.

- پیش‌شناخت محیط و منظر به عنوان یک ضرورت برای آگاهی از عوامل بوم‌شناختی که منطقه‌ای را به وجود آورده‌اند.

- توجه به تعدد معانی محیط و منظر و ابهام ناشی از این معانی.

با این اصول مبانی و سوابقی در دست خواهد بود که به کمک آنها می‌توان به قرائت مؤلفه‌های محیط و منظر پرداخت. بدیهی است این فرآیند ایستا نیست. از طرفی مؤلفه‌های محیطی که به وسیله بازتاب‌های مهم معانی متعددی را بیان می‌کنند، موضوع تفاسیر مختلفی خواهند بود و به گفته ماینینگ (1979)، محیط و منظر توسط ذهن ما تفسیر می‌شود. بنابراین قرائت‌کننده محیط و منظر جزئی از آن معنی است. به بیان دیگر محیط و منظر بر جسته و شاخص برای مردم معانی مختلفی را بیان می‌کند.

تفسیر محیط و منظر

تفسیر محیط و منظر بر حسب نوع بیننده و تفکر و برداشت فرد از محیط و منظر کاملاً متفاوت است. ماینینگ در کتاب «چشم نظاره‌گر»، نتیجه آزمایشی را منعکس کرده که مربوط به گروه گوناگونی از مردم است که به محلی برده می‌شوند که شامل شهر و مناطق غیرشهری است. در این آزمون از مردم خواسته می‌شود که محیط و منظر را توصیف کنند، عناصر، ترکیب و معنی آن را شناسایی نمایند. در این تحقیق از برداشت و ادراک مردم از محیط

قلمداد شده که در زمان خواندن محیط و منظر نیایستی به فراموشی سپرده شود. در این بررسی توجه به این نکته مهم تشخیص داده شده، که مؤلفه‌های کالبدی را نباید به صورت اشکال مجرد بلکه به صورت تجلی شرایط و تأثیرات ناشی از شرایط با همدیگر خوانده شوند. علاوه بر این اکنون ما، در یک دوره تغییرات شتابان فرهنگی و فن‌شناختی بی‌سابقه‌ای هستیم و بنابراین مؤلفه‌های محیط و منظر نیز به تاسی از این تغییرات با نرخی بی‌سابقه در حال تحول هستند.

- در اصل چهارم به بحث درباره عناصر معمولی که از مهمترین عناصر مؤلفه‌های محیط و منظر شهری هستند، پرداخته شده، موضوعی که در نوشته‌های آموزشی کمتر به آنها اشاره شده است. گرچه در ادبیات غیرآموزشی فراوانی مانند آثار تام ولف و آدلف رودفسکی (1964)، سفرنامه‌ها و کتب مختلف جغرافیایی فرهنگی وجود دارند، ولی ادبیات بیشتر به بررسی سنت‌های ناشی از قدرت، ثروت و تعیین در طراحی پرداخته‌اند تا سنت بومی و شناخت عناصری که بر تصمیم مردم به جز طراح حرفه‌ای تأثیر دارند.

- در اصل پنجم به اصل بوم‌شناختی که برای تعداد زیادی از معماران ناشناخته است پرداخته شده و به جای اکولوژی این نظریه پذیرفته شده که انگاره و ایده طراح است که به طرح هستی می‌دهد و در مراحل طراحی، بیان تلفیق ناپذیری از ساختمان با بوم پیرامون دارند.

- در اصل ششم نظارت محیطی نقش یافته است، زیرا هر محیط و منظر تجلی لحظه‌ای عوامل محیط است. این اصل بر آن نکته دلالت دارد که شناخت عوامل بوم‌شناختی که منطقه‌ای را بوجود آورده‌اند، لازمه آگاهی از مفهوم آن، پیش‌شناخت محیط و منظر است. در این اصل طراحی محیط و منظر در یک برخورد منطقه‌ای معنی و مفهوم خود را باز می‌یابند.

- در اصل هفتم به ابهام موجود در محیط و منظر پرداخته شده است و با اینکه محیط و منظر دارای معانی بسیاری است ولی بعضاً این معانی به صورت غیرمفهوم متجلی می‌شوند هر گفته موضوع تعابیر متعددی است و هر یک با

با توجه به اینکه منظر شهری (Townscape) یک واژه تازه وارد و نویی در زبان انگلیسی است، که در بعضی زمینه‌ها از نظر معنی بیان نشده است، مبری از معانی لازم است. بنابراین باید اذعان کرد که این واژه بر مبنای بیشتر از مجموعه فضاهای ساخته شده و یا نشده و تفسیرهای دهگانه‌ای که سؤال شنوندگان در پاسخ به ماینیگ داده‌اند، استوار می‌باشد.

مناظر شهری و تشکل مؤلفه‌های آن را می‌توان در عباراتی با این مشخصات توجیه نمود: مناظر شهری برای مردمی که در خیابان قدم می‌زنند، می‌تواند مجموعه‌ای از صحنه‌ها باشد و جایگاههایی را عرضه کنند که شامل زیبایی، ناپختگی، برجستگی، یکنواختی، دوست‌داشتنی و ... است. اینها همه زمینه‌های آشنایی برای زندگی روزمره انسان شهرنشین از محیط و منظر و مؤلفه‌های آن خواهد بود. مؤلفه در محیط و مناظر شهری، توجه فوری و مخصوصی را با توسعه‌های بسیار زیادی که اتفاق می‌افتد می‌طلبد. وقتی که مؤلفه‌های برجسته و میراث شهری به راحتی جابجا می‌شوند و بدون هیچگونه هشدار قبلی و با روش‌های غیرمعمول جایگزین می‌شوند، موقعیت بزرگی را برای اصلاح و نوگرایی در واحدهای آموزشی به‌وجود می‌آورد. این موفقیت‌ها بایستی مغتنم شمرده شود و کاری نو براساس تفکری که انعکاسی از تاریخ، فرهنگ و آموزش دیروز، مبنایی برای امروز و آموزه‌ای برای فردایی دگر باشد، ساخته و پرداخته شود.

مؤلفه‌هایی که در محیط و منظر به صورت طبیعی و یا مصنوع وجود دارند، محصول ضابطه‌ها و معیارهایی هستند که بوسیله زبانهای رایج بومی، معماری، برنامه‌ریزی، طراحی محیط و منظر تدوین شده‌اند. بنابراین یک رابطه دو سویه بین مؤلفه‌های محیط و منظر و زبانی که برای قرائت آنها به کار رفته است، وجود دارد. به زبان دیگر مؤلفه انعکاسی از زبان و زبان انعکاسی از مؤلفه است. قرائت این مؤلفه‌ها و ارزیابی آنها موضوعی است عقیدتی و شخصی. بعضی مناظر واجد اصالت و برجستگی می‌شوند. زیرا آنها به وسیله معماران برجسته یا سازندگان خبره بر پهنه‌ای عظیم بنا شده‌اند و به وسیله ضابطه‌های محدودکننده محافظت می‌شوند. اما در دیگر موارد چنین محدودیت‌هایی وجود ندارند و به سرعت تغییر می‌کنند. لایه‌های جدیدی از محیط و منظر را تشکیل می‌دهند که انعکاسی از زبان رایج و متأثر از فن‌آوری زمان هستند. بنابراین،

و منظر ده نظر به‌دست آمده است. به نظر وی علت چنین برداشت‌هایی متفاوت آن است که هر محیط و منظر نه تنها آن چیزهایی است که در برابر چشمان ما قرار دارد، بلکه آن چیزهایی است که در فکرم‌ان نیز می‌گذرد. ده صورت مختلفی که ماینیگ از منظر عرضه کرده بود، یک دید جامعی از دامنه تفاسیر محیط و منظر برخاسته از ذهنیات مردم را در اختیار ما قرار می‌دهد. در این آزمون محیط و منظر با عناوین طبیعت، زیستگاه، محصول مصنوعی، سیستم مصنوعی، یک مسئله، ثروت، ایدئولوژی، تاریخ، مکان و زیباشناسی عنوان شده‌اند که هر کدام نیاز به تفسیر جداگانه دارد. گستردگی این اظهارات شاخص‌ها و ممیزهای بسیار سودمندی در عرصه‌های آموزشی محیط و طراحی محیط و منظر و انتقال پیام رساتر این مؤلفه‌ها خواهد بود.

در بین مناظری که از آن صحبت شد، به نظر نویسنده منظر شهری به دلیل ارتباط آن با زندگی روزمره ما و اثر روانی، اقتصادی، اجتماعی آن از جایگاه خاصی برخوردار است و می‌تواند پوشش وسیعی از نظریات و برداشت مردم از محیط و منظر را عرضه کند. سیر تحول شهر و شهرنشینی در تنوع محیط و منظر و مؤلفه‌های حاصل از فن‌آوریهای نو سهم غالب را خواهد داشت. با زندگی در شهرها هر روزه نظاره‌گر مناظر شهری هستیم در حالیکه ممکن است در طی فصول مناظر طبیعی را کمتر مشاهده کنیم. در شهر ما وقتی از یک منظر خوب آگاه می‌شویم که آن را ببینیم. ولی در این نگرش ما چه چیزی را مورد تحسین و ارزیابی قرار می‌دهیم. مقیاس، شکل ساختمان، تغییرات غیرمنتظره، فقدان ساختمانهای آشنا، سروصدا، ضایعات، خطر ترافیکی، مکانهایی که زمانی فضای نسبتاً آرامی برای مردم بودند و یا مجموعه‌ای که محیط و منظر ما را شکل می‌دهد و واجد خصوصیات یاد شده‌اند. آیا غروری که در ارتباط با منظر و نظم خانه خود داریم، در شهرمان نیز با برخورد با این مسایل همان اندازه حساس هستیم و هزاران سؤال دیگر که در بحث محیط و منظر هر کدام جایگاه ویژه خود و نیاز به بحثی مفصل دارد. درک کلسی در این زمینه‌ها و عکس‌العمل نسبت به آنها منوط به پهنه زمانی و قرائتی است که از این مناظر به عمل می‌آید.

منظر تمام شدنی نیستند و لایه‌هایی از تاریخ، فرهنگ، معماری، شهرسازی و آموزش زمان خود هستند. بنابراین هر لایه‌ای در هر مقطعی انعکاسی از اصول مندرج در این مقاله است که زبان رایج زمان خود را برای مؤلفه‌ها به نظم و نثر کشیده‌اند.

برای مطالعه بیشتر

طیبیان، منوچهر. ۱۳۷۷. گزیده منظر شهری، ترجمه، انتشارات دانشگاه تهران.

طیبیان، منوچهر. ۱۳۷۸. کاربری زمین و تعامل آن با اقتصاد، اکولوژی و هیدرولوژی، ترجمه. انتشارات دانشگاه تهران.

طیبیان، منوچهر. ۱۳۷۸. جزوه‌های درسی در درس شناخت محیط‌های انسان ساخت. گروه برنامه‌ریزی.

Alexander, C. 1965. A City is not a Tree. Architectural Forum 122, April (58-62), May(58-62).

Meinig, D. W., ed. 1979. The Interpretation of Ordinary Landscapes. New York. Oxford University Press.

Norberg- S. C. 1980. Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture, New York: Rizzolli.

Rapoport, A. 1969. House form and Culture, Englewood Wood cliffs, Nj: Prentice Hall.

Rudofsky, B. 1964. Architecture without Architects: A short introduction to Non- Pedigreed Architecture. Garden- City, N. Y: Double Day.

Preace, P. 1978. Structure in Nature is a Strategy for Design. Cambridge, Ma: The MIT Press.

همیشه دو قرائت از محیط و منظر وجود دارد. قرائت از مؤلفه‌های پایدار و برجامانده که شهودی از تاریخ و فرهنگ گذشته و حساسیت جامعه در زمان نسبت به آنها و قرائت‌های جدیدی که ناشی از ایجاد لایه‌های جدید است که پیام‌آور میزان درک جامعه و حساسیتی است که بخشی از جامعه و یانسیت عام و سنت عام و سنت‌اعیان نسبت به خلق این مؤلفه‌ها داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

محیط و منظر در اشکال طبیعی و انسان ساخت، بیانی آشکار و دیدنی از مجموعه فعالیت‌ها، توقعات و ملازمات ساکنان آن محیط می‌باشد. تبیین‌های ناظر بر شناخت فرد از محیط و منظر و اصولی که نقش اساسی در تبلور ساختاری و مکانی این مؤلفه‌ها داشته‌اند، این گونه قابل تفسیر است. در مورد اول علت چنین برداشت‌هایی این است که محیط و منظر چیزهایی فراتر از آنچه در برابر چشمان ما قرار می‌گیرد، خواهد بود و در مورد دوم نظریه‌های حاکم بر محیط و منظر و یا اصولی هستند که ارکان محیط و منظر را شکل می‌دهند. هر چند این اصول از فرهنگی به فرهنگی متفاوت است، آراستگی و یکپارچگی مؤلفه‌های محیط و منظر، همانند آراستن منزل تک خانواده‌ها دلیلی بر نقطه نظرها و بینش افراد خانواده از نقطه نظر ثروت، فقر، سلیقه خوب و بد یا غروری از مالکیت و بی‌تفاوتی را مطرح می‌کند. همین‌طور مؤلفه‌های محیط و منظر و فضای ناشی از آن در یک شهر خصوصیات و رفتارهای جمعیتی و کیفی را آشکار می‌سازد. اما در حالی که خانه انعکاسی از معیار زندگی و میزان رفاه خانواده و افراد آن از آنچه در حال حاضر در تملک دارند و آنچه از دیگران به ارث برده‌اند، می‌باشد و در مجموع معیارهای از هم مجزا و به ارث برده شده از دوران مختلف است. محیط و مؤلفه‌های آن نیز به معنی یک کل، انعکاسی از تاریخ، فرهنگ و معیارهای اقتصادی، اجتماعی حاضر، گذشته و نسل‌های ماقبل از آن می‌باشد.

آنچه امروزه با توجه به سیر تحول شهرنشینی غلبه بر زندگی روزمره ما دارد محیط و مناظر شهری است که مؤلفه‌های موجود آن پاسخ به نیازهای موجود و دوباره ساختن آن پاسخ به نیازهای شناخته شده به خاطر تغییر است. محیط و